

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 96/12/25

موضوع: شبهات مهدویت (7) – چند سؤال ساده از طرفداران «احمد الحسن»!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

تقدیم به پیشگاه مقدس و با عظمت حضرت بقیة الله الأعظم (أرواحنا لتراب مقدمه الفداه) صلواتی عنایت فرماید.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوئیم. سپاس بی‌حد و کران بر اینکه به ما توفیق خدمت به اهل بیت عصمت و طهارت (صلوات الله علیهم اجمعین) کرم کرده‌اند و عنایت نموده‌اند.

ما در جلسات گذشته پیرامون شبهاتی که در رابطه با مسئله مهدویت بود به ویژه مدعیات دروغین مهدوی و کسانی که خود را به دروغ به حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) نسبت می‌دهند، صحبت کردیم.

یکی از این افراد فردی است از بصره به نام «أحمد الحسن» که خود را منتسب به حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) معرفی می‌کند. ادعا دارد که من فرزند پنجم حضرت مهدی هستم و جدم به من مأموریت داده است که زمینه را برای ظهورش فراهم کنم!!

او به بعضی از روایات هم استناد می‌کند و مدعی است بزرگ‌ترین مانع آمدن حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) حوزه‌های علمیه شیعه، روحانیت شیعه و مراجع شیعه هستند!! اگر ما این افراد را جذب خودمان کنیم یا از مسیر برداریم قطعاً زمینه ظهور حضرت مهدی فراهم می‌شود!!!

طرفداران این شخص کذاب، به بعضی از روایات همانند «حدیث وصیت» که از نظر سند کاملاً ضعیف و غیر معتبر است، استناد می‌کنند. و همچنین به «خواب» استناد می‌کنند. به عنوان مثال ادعا می‌کنند که فلان زن در بصره خواب دیده است که حضرت مهدی به او سفارش کرده از «أحمد الحسن» حمایت کنید!! فلان شخص در نجف و شخص دیگری در لندن، قم، تهران و یا در شیراز خواب دیده است!! عمده دلیل این افراد همین خواب‌هایی است که بعضی از افراد به دروغ یا توسط هیپنوتیزم، سحر و جادو دیده‌اند.

بنده خود بر این عقیده هستم که بعضی از سران این جریان، کاملاً نسبت به سحر و جادو مسلط هستند و بعضی از افراد را از این طریق به کمند خود گرفتار می‌کنند.

یکی از نکاتی که امشب می‌خواهیم به آن وارد شویم و ان‌شاءالله در جلسات بعد هم آن را پی خواهیم گرفت، تناقضاتی است که در سخنان «أحمد الحسن» و طرفداران اوست.

یکی از ویژگی‌های قرآن این است که قرآن تناقض ندارد و به صراحت می‌فرماید:

**(وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا)**

اگر از ناحیه غیر خدا بود اختلافات فراوانی در آن می‌یافتند.

**سوره نساء (4): آیه 82**

در کلمات نبی گرامی اسلام و همچنین ائمه اطهار تناقض نیست، اما در کلمات این شخص تناقض به قدری است که شاید قابل احصاء و شمارش نباشد.

یکی از فنون و ارکان مناظره همین است که شما از تناقضات طرف مقابل خود استفاده کنید. شاید طرف مقابل با بحث‌های علمی حاضر نباشد حق را بپذیرد. امیرالمؤمنین زمانی که به «ابن عباس» دستور می‌دهند با خوارج مناظره کند، می‌فرماید: مبدا به آیات قرآن کریم استناد کنی، زیرا آیات الهی ذو وجوه است. شما می‌گویید که مراد خداوند این است، اما او می‌گوید که مراد خداوند چیز دیگری است.

یکی از اساسی‌ترین فنون و روش در مناظره سؤال کردن از طرف مقابل، به چالش کشیدن طرف مقابل، ایجاد سؤال و شبهه به مبانی اعتقادی طرف مقابل و استفاده از تناقضات گفتاری و رفتاری طرف مقابل است.

اگر قرار باشد طرف مقابل از شما سؤال بپرسد، سؤال او پایان ندارد. اگر شما سال‌ها هم با او مناظره و بحث کنید، او سؤال طرح می‌کند. ما معمولاً به دوستان خود سفارش می‌کنیم و بنده خودم هم در بحث‌ها و مناظرات به این نکته توجه دارم که اگر طرف مقابل یک سؤال بپرسد و من جواب بدهم، اجازه نمی‌دهم او سؤال دوم را مطرح کند و می‌گویم که سؤال دوم را من باید مطرح کنم.

بنده چندین مناظره در «شبکه المستقله» با وهابیت و «شبکه سلام» با «ملازاده» و «مولوی مرادزهی» از اساتید حوزه علمیه زاهدان اهل سنت داشتیم. در این مناظرات معمولاً طرف مقابل پنج دقیقه صحبت می‌کرد و بنده جواب می‌دادم. در مقابل بنده بعد از جواب به سؤال او، سؤال طرح می‌کردم و او را وادار به جواب دادن می‌کردم.

لذا بنده می‌خواهم چند جلسه سؤالات خود را طرح کنم و این افراد به سؤالات ما پاسخ بدهند. ما چندین جلسه در «شبکه جهانی ولایت» اعلام کردیم که آماده مناظره هستیم. آماده ایم برای یک گفتگوی دوستانه. با هم بحث کنیم. ما آماده برای مباحثه هستیم؛ اما جوابی از این افراد نشنیدیم.

تا اینکه طرفداران این شخص هفته گذشته در کانال تلگرامی خود پیامی دادند مبنی بر اینکه ما آقای «قزوینی» را بارها برای مناظره دعوت کردیم، اما ایشان قبول نکرده است!!

البته بله «ناظم العقیلی» که یکی از طرفداران «أحمد الحسن» است، حدود سه سال قبل بیانیه‌ای داد و افرادی را برای مناظره دعوت کرده بود که یکی از آن‌ها بنده بودم. البته در این دعوت به مناظره نام «قزوینی» بود. نام «قزوینی» زیاد است؛ شاید به دلیل اینکه این افراد در عراق ساکن بودند، مراد از «قزوینی» یکی از علمای بزرگ کربلا هست.

ما بارها به این بحث‌ها جواب دادیم و از این افراد برای مناظره دعوت کردیم. متأسفانه این افراد جواب درست و حسابی ندادند تا در هفته گذشته مطالبی را بیان کردند مبنی بر اینکه ما فلانی را به مناظره دعوت می‌کنیم و ایشان باید با دفتر ما در نجف تماس بگیرد!!

ما در مقابل جواب می‌دهیم که ما برای خود شما اعتباری قائل نیستیم، چه رسد به اینکه برای دفتر شما اعتباری قائل شویم!!

ما در «شبکه جهانی ولایت» شب‌های جمعه برنامه داریم و از شما دعوت می‌کنیم به آنجا بیایید تا تمام مردم ببینند. همچنین «شبکه جهانی ولی عصر» موجود است که الآن برنامه ما به صورت زنده و اینترنتی در سراسر دنیا پخش می‌شود.

این افراد باید در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» که مربوط به «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» است، بیایند تا با همدیگر مناظره کنیم. یا در این مسجد دوستانشان را بفرستند تا با هم مناظره کنیم.

همانطور که دوستان ما الآن مشاهده می‌کنند همین بحث ما عیناً به صورت زنده در سراسر دنیا پخش می‌شود و هزینه‌ای هم ندارد. این افراد می‌توانند با برنامه اسکایپ روی خط بیایند تا در همین جا تمام دنیا ببینند و عزیزان ما هم که در اینجا هستند ببینند.

بحث مناظره باید یک بحث جهانی باشد، نه اینکه در یک مطبخ یا پستو با طرفداران «أحمد الحسن» بحث کنیم. ما آمادگی مناظره این شکلی را داریم!

البته این افراد در بیانیه خود ادب لازم را هم رعایت نکردند. ما هم نسبت به حرف‌های نادرست این افراد فرمایش قرآن کریم را بیان می‌کنیم که می‌فرماید:

**(وَ إِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)**

و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).

**سوره فرقان (25): آیه 63**

ما در برابر سخنان این افراد جز سلام چیز دیگری نمی‌گوییم. من امشب می‌خواهم از این افراد چند سؤال بپرسم تا به آن جواب بدهند. ما جواب آن‌ها را هم در «شبکه جهانی ولی عصر» پخش می‌کنیم و هیچ ابایی هم نداریم.

این افراد مدعی هستند که ما از طرف حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) مأموریت داریم و حضرت مهدی به ما دستور داده است که زمینه را برای ظهور ایشان فراهم کنیم.

دلیل این افراد هم روایات ضعیفی است که کاری با آن‌ها نداریم. این روایات بیشتر از اینکه به نفع این افراد باشد، به ضرر آن‌هاست. همان روایاتی که این افراد به آن استدلال می‌کنند، بطلان مبانی فکری و اعتقادی این افراد را فراهم می‌کند.

بنده امشب می‌خواهم سؤالی مطرح کنم. این سؤال هم برای یک مرجع عالیقدر جهان تشیع جا می‌افتد، هم پیرزن و پیرمرد بی‌سواد آن را متوجه می‌شود، هم دانشجو و استاد دانشگاه آن را متوجه می‌شود و هم یک بچه چهار ساله آن را می‌فهمد.

بنده از دوستان تقاضا دارم که اگر در فضای مجازی کانال، گروه، سایت یا وبلاگی دارند این سؤال را طرح کنند تا ببینند این افراد چه جوابی به شما می‌دهند.

این افراد ادعا می‌کنند که از طرف حضرت مهدی مأموریت دارند. سؤال بنده این است که ما از کجا بدانیم مأموریت این افراد درست هست یا درست نیست؟!

حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) فرزند امام حسن عسکری، فرزند امام هادی، فرزند امام جواد، فرزند امام رضا، فرزند امام کاظم و امامان بزرگوار قبل از ایشان هستند. این بزرگواران اگر کسی را به عنوان وکیل یا نماینده معرفی می‌کردند، به آن منطقه نامه می‌نوشتند.

به عنوان مثال زمانی که امام هادی (علیه السلام) می‌خواهند فردی را به حاکم بصره معرفی کنند، نامه‌ای به بزرگان و رؤسای قوم و شخصیت‌های صاحب نفوذ می‌نویسند و می‌فرمایند که این شخص نماینده و وکیل من هست.

این ساختار وکالت از عصر امام کاظم تا امام حسن عسکری کاملاً مشخص بوده است و بنده نمونه‌های زیادی هم می‌خواهم امشب برای شما عزیزان و بزرگواران در اینجا بیان کنم تا روشن شود که اصلاً سیره ائمه اطهار به چه صورت بوده است.

ما این سؤال را داریم که اگر واقعاً حضرت مهدی شخصی به نام «أحمد الحسن» را برای آماده کردن جهان برای ظهور، مأموریت داده و شما هم معتقدید یکی از دلایلتان خواب‌هایی است که بعضی افراد می‌بینند، چرا حضرت مهدی به خواب یکی از مراجع عظام تقلید نمی‌آید؟!

چرا حضرت مهدی به خواب علما نمی‌آیند تا بفرمایند آیت الله العظمی سیستانی، آیت الله العظمی مکارم شیرازی، آیت الله العظمی شبیری زنجانی و دیگر علما بدانید که «أحمد الحسن» از طرف ما مأموریت دارد جهان را برای ظهور آماده کند؛ به او کمک کنید؟!!

چرا این خواب‌ها تنها نصیب بعضی از خانم‌ها، بعضی از مغازه‌داران، بعضی از شترچرانان یا بعضی از افراد عادی می‌شود؟!!

اگر واقعاً این خواب حجت است و حضرت مهدی هم می‌خواهد که احمد الحسن بیاید تا جهان را برای ظهور آماده کند، این پیرزن یا خانم در بصره یا شخص بقال چه نقشی در جامعه دارد؟! اگر این شخص به خواب فلان رئیس جمهور، فلان وزیر، فلان رئیس قبیله یا فلان مرجع بیاید مسئله تمام است.

اگر دو یا سه تن از مراجع عظام تقلید ما در خواب ببینند و بر فرض اعلام کنند که من یک خواب و رؤیای صادقه ای دیدم که «أحمد الحسن» نماینده رسمی حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) است، همه چیز مشخص خواهد شد.

همچنین برای حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) امکان‌پذیر است که برای مراجع عظام تقلید، بزرگان، سیاستمداران و تأثیرگذاران در جامعه توقیعی بنویسند مبنی بر اینکه «أحمد الحسن» نماینده من است؛ از او حمایت کنید!!!

چرا در طول این چهارده سال این خواب‌ها تنها نصیب افراد بی‌سواد از حوزه شده است که بلد نیستند احتجاج چطور نوشته می‌شود یا نصیب بعضی از افراد که اصلاً از الفبای علم الحدیث آگاهی ندارند، شده است؟!!

«ناظم العقیلی» که این افراد به او می‌بالند کتاب‌هایی دارد که من غالب آن‌ها را خوانده‌ام. او که ادعا می‌کند علم رجال بدعت است، زمانی که خود می‌خواهد در علم رجال وارد شود معلوم است به قدری بی‌سواد و از مرحله پرت است که استدلال او بیشتر به ضررش است تا نفعش!!

ان‌شاءالله زمانی که خواستیم بحث حدیث وصیت را مطرح کنیم کتاب او را روی پرده می‌آورم و به دوستان نشان می‌دهم تا خودشان قضاوت کنند.

اگر چنانچه ایشان واقعاً از طرف حضرت ولی عصر مأموریت دارند، حضرت باید به بزرگان قوم ابلاغ کنند. مشاهده کنید امام جواد (علیه السلام) شخصی به نام «ابراهیم بن محمد» را به همدان می‌فرستند.

یکی از افتخارات بنده این است اولین کتابی که از بنده چاپ شد «موسوعه امام جواد» (علیه السلام) بود که به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شد. در جلد دوم این کتاب و همچنین کتاب «رجال» اثر «کشی» صفحه 612 نقل شده است که امام جواد می‌فرماید:

**«و كَتَبْتُ إِلَى مَوَالِي بِهَمْدَانَ كِتَابًا أَمَرْتُهُمْ بِطَاعَتِكَ»**

من به تمام شیعیان در همدان نامه‌ای نوشتم و دستور دادم از تو تبعیت کنند.

رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد بن

الحسن / مصطفوی، حسن، ص 612، ح 1136

حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) هم فرزند امام جواد است. اگر می‌خواهد وکیل به جایی بفرستد یا نماینده‌ای معین کند، نستجیر بالله عاجز از این نیست که به مردم قم، بصره و نجف نامه‌ای بنویسد.



در حال حاضر شیعیان دنیا به علمای نجف یا قم نگاه می‌کنند. این دو مرکز تصمیم‌گیرنده مبانی فکری و اعتقادی شیعه هستند. حضرت باید نامه‌ای به بزرگان، حوزه‌های علمیه و مراجع قم و نجف بنویسد همانطور که امام جواد به مردم همدان نامه می‌نویسد و می‌فرماید:

«أَمَرْتُهُمْ بِطَاعَتِكَ»

دستور دادم از تو اطاعت کنند.

«وَأَنْ لَا وَكَيْلَ لِي سِوَاكَ»

و غیر از شما وکیل دیگری ندارم.

چرا حضرت ولی عصر در طول این چهارده سال همین تعبیر را نمی‌آورد؟ امام هادی (علیه السلام) به ساکنین بغداد، مداین و منطقه سواد که عراق کنونی است، نامه می‌نویسد و می‌فرماید:

«قَدْ أَقَمْتُ أَبَا عَلِيٍّ بِنِ رَاشِدٍ مَقَامَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ»

من علی بن راشد را به جای علی بن حسین بن عبد ربه به شما معرفی می‌کنم.

«وَقَدْ أَوْجَبْتُ فِي طَاعَتِهِ طَاعَتِي»

اطاعت از وکیل من به منزله اطاعت از من است.

«وَفِي عِضْيَانِهِ الْخُرُوجَ إِلَيَّ عِضْيَانِي»

هرکسی از دستورات وکیل من عصیان کند، از دستورات من عصیان کرده است.

الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: تهرانی، عباد الله و

ناصر، علی احمد، ص 350، باب و منهم أبو علی بن راشد

چرا حضرت ولی عصر در طول این چهارده سال چنین نامه‌ای به بزرگان نجف، بغداد، قم، اصفهان، مشهد و تبریز نوشته است که بگوید «أحمد الحسن» وکیل من است، اطاعت او اطاعت من و معصیت او معصیت من است؟! این مطلب علاوه بر این کتاب، در کتاب «رجال کشی» «بحار الأنوار» و «موسوعه امام هادی» نوشته شده است. خداوند عالم به ما توفیق داد و ما کتاب «موسوعه امام هادی» را تألیف کردیم. در جلد سوم این کتاب صفحه 247 این مطلب وارد شده است.

نقل شده است در زمان امام هادی (علیه السلام) دو وکیل به نام‌های «ایوب بن نوح» و «ابو علی» با هم اختلاف داشتند. حضرت به آن‌ها نامه می‌نویسد و دستور می‌دهد هرکسی در همان محدوده مأموریت خود موظف به انجام وظیفه است و نباید در کار دیگران دخالت کند.

چرا حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) چنین نامه‌ای نمی‌نویسد؟! همچنین امام حسن عسکری پدر حضرت مهدی به وکیل خود نامه زیبایی می‌نویسند.

«مرحوم کشی» می‌نویسد: بعضی از ثقات در نیشابور گفتند به «اسحاق بن اسماعیل» توقیعی آمد که در آن نوشته شده بود:

**«وَأَنْتَ رَسُولِي يَا إِسْحَاقُ إِلَيَّ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِةَ»**

اسحق بن ابراهیم تو نماینده و وکیل من هستی.

زمانی که وارد می‌شوی با «محمد بن موسی نیشابوری» و افراد دیگر این نامه را بخوانید.

**«وَيَقْرَأُ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِةَ كِتَابِي هَذَا»**

ابراهیم بن عبده نامه مرا برای همه بخواند.

«وَمَنْ خَلَّفَهُ بَيْتَهُ»

و به تمام مرده ابلاغ کند.

همه مردم باید در مسجد جمع شوند و نامه من امام حسن عسکری را بخواند که «اسحاق بن ابراهیم» وکیل و نماینده تام الاختیار من است. سپس می فرماید:

«وَكُلُّ مَنْ قَرَأَ كِتَابَنَا هَذَا مِنْ مَوَالِي مِنْ أَهْلِ بَلَدِكَ»

بر هرکسی این نامه خوانده شد، عمل به محتوای آن بر او واجب است.

«فَإِذَا وَرَدَتْ بَغْدَادَ فَأَقْرَأْهُ عَلَى الدُّهْقَانِ وَكَيْلِنَا وَثِقَتِنَا»

زمانی که به بغداد می‌روید نامه ما را بر وکیل و ثقه ما دهقان هم بخوانید.

«وَكُلُّ مَنْ أَمْكَنَكَ مِنْ مَوَالِينَا فَأَقْرَأْهُمْ هَذَا الْكِتَابَ!»

نامه ما را به تمام دوستان و شیعیان ما بخوانید.

«وَيُنَسِّخُهُ مَنْ أَرَادَ مِنْهُمْ نُسْخَهُ»

و دستور بدهید همگی از نامه ما نسخه‌برداری کنند.

رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد بن

الحسن / مصطفوی، حسن، ص 578، ح 1088

امام حسن عسکری به جهت اینکه وکیلشان با مشکل و اعتراضات مردم مواجه نشود نامه می‌نویسند و دستور می‌دهند که نامه را به وکیل قبلی، مردم بغداد و نیشابور بخوانید و از همگان بخواهید از نامه من نسخه‌برداری

کنند تا همگان بدانند تو وکیل من هستی!

چرا در طول این چهارده سال مشکلات زیادی برای «أحمد الحسن» درست شد؟! حدود دویست و پنجاه نفر از یاران او در بصره کشته شدند و خود او فراری شد!!

زمانی که او به امارات رفت همگان نوشتند که او با نماینده سازمان امنیت صهیونیست دیدار و ملاقات داشت که ما کاری با این مسائل سیاسی نداریم. ما کاری نداریم که ایشان چقدر پول از انگلستان گرفته و چه ارتباطی با آمریکا دارد!!؟

بنده اصلاً با این مسائلی که در فضای مجازی هم فراوان وجود دارد کاری ندارم. حضرت آیت الله کورانی هم این مسائل را به طور مفصل بیان کرده است، اما بنده در این قسمت‌های سیاسی اصلاً نه دخالت می‌کنم و نه کار دارم. بحث بنده بحث علمی است!

با توجه به مشکلات و درگیری‌هایی که این شخص دارد باید حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) به خواب آقای «نوری مالکی» و یا آیت الله العظمی سیستانی می‌آمدند و می‌فرمودند که «أحمد الحسن» نماینده من است؛ چرا دویست و پنجاه نفر از یاران او را کشتید؟!

حضرت باید اعتراض می‌کردند که چرا این شخص را در به در و آواره کردید! اگر قرار است نماینده حضرت مهدی هم غایب باشد، با توجه به اینکه خود حضرت هم غایب هستند و از آن بزرگوار خبر نداریم، غیبت نماینده ایشان چه فایده‌ای دارد؟!

وکیلی که توانایی حضور در تلویزیون، ماهواره و رسانه را ندارد و نمی‌تواند بیاید و صحبت کند چه وکیلی است؟! چه نماینده‌ای است؟! اگر قرار است وکیل و موکل هر دو غایب باشند فایده‌ای ندارد.

البته افراد بسیاری معتقدند که در آن قضایا سر این شخص را زیر آب کردند، کشتند و اصلاً «أحمد الحسن» وجود خارجی ندارد. بنده هم نود و پنج درصد معتقدم که در حال حاضر این شخص اصلاً وجود خارجی ندارد و امثال «عقیلی‌ها» آتش بیار معرکه هستند!!

اگر طرفداران «أحمد الحسن» واقعاً راست می‌گویند، او به ماهواره بیاید یا از طریق اسکایپ صحبت کند تا مردم قیافه او را ببینند، برنامه او را متوجه شوند و بفهمند قضیه چیست. افراد بسیاری دوست دارند برای یک بار هم که شده قیافه او را ببینند. آیا اصلاً او وجود خارجی دارد یا خیر!؟

تصویری که مشاهده می‌کنید «أحمد الحسن» نوه پنجم حضرت مهدی است. تصویر دیگری که ملاحظه می‌کنید شناسنامه اوست. او در یک جا با عمامه می‌آید، یک جا به نام «سید حسن حمامی» می‌آید، یک مرتبه با تصاویر دیگر و یک جا با طرفداران خودش می‌آید.

او در جای دیگری می‌گوید: "من همان یمانی هستم که به دستور آمریکا به اینجا آمدم." ما با این مسائل کاری نداریم. معلوم نیست این شخصی که به نام «أحمد الحسن» به عنوان یمانی معرفی کردند واقعاً خود اوست یا بدل اوست. مردم می‌خواهند ولو برای یک مرتبه هم که باشد وکیل حضرت مهدی را ببینند.

شما ببینید امام حسن عسکری زمانی که می‌شنود بین وکیلشان در عراق با «فضل بن شاذان» اختلاف ایجاد شده است، امام حسن عسکری نامه تندی می‌نویسد و می‌فرماید:

«الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ مَا لَهُ وَ لِمَوَالِي يُؤْذِيهِمْ وَ يَكْذِبُهُمْ!»

فضل بن شاذان را چه به اینکه وکیل و دوستان مرا اذیت کند.

«وَ إِنِّي لَأَخْلِفُ بِحَقِّ آبَائِي لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ، عَنْ هَذَا لِأَرْمِيَهُ بِمَرْمَإٍ لَا يَنْدَمِلُ جُرْحُهُ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَ لَا فِي الْآخِرَةِ»

به حق پدران و آبائهم سوگند می‌خورم اگر فضل بن شاذان دست از آزار نماینده من برندارد، آنچنان او را نفرین خواهم کرد که دودمان خود را در دنیا و آخرت به باد دهد.

رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد بن

الحسن / مصطفوی، حسن، ص 543، ح 1028

در حال حاضر مشکلات، مخالفتها و مسائل زیادی برای «أحمد الحسن» وجود دارد. دهها نفر ثابت کردند که ایشان دجال است، بسیاری از افراد او را لعن و تکذیب می‌کنند و می‌گویند که این شخص جاسوس اسرائیل است.

امام حسن عسکری پدر مبارک حضرت مهدی پس از اختلاف جزئی میان وکیل خود با یکی از شیعیان، نامه‌ای تند و بلند بالا می‌نویسد. حضرت مهدی هم باید نامه و یا توقیعی بنویسند یا به خواب یکی از مراجع و بزرگان و شخصیت‌های علمی بیایند و به طرفداری از «أحمد الحسن» بفرمایند که چرا او را دجال و جاسوس اسرائیل می‌خوانید؟! چرا معتقد هستید که او با آمریکا و انگلیس ارتباط دارد؟! چرا ادعا می‌کنید که تمام یاران و تصمیم‌گیرندگان این شخص در سوئد هستند و برای او پول می‌فرستند؟!

اگر نامه‌ای از طرف حضرت مهدی بیاید تمام مشکلاتی که برای «أحمد الحسن» وجود دارد تمام خواهد شد. این سؤال یکی از سؤالات ما از این افراد است.

ما این مطالب را در اینجا مطرح می‌کنیم و بحث ما به صورت زنده از طریق اینترنت در سراسر جهان منتشر خواهد شد. قطعاً این افراد پیگیر این قضایا هستند و ما تلاش می‌کنیم این بحث را چند روز پشت سر هم در اینترنت پخش کنیم.

آقایان این مطالب را ببینند و اگر راست می‌گویند از طریق برنامه اسکایپ بیایند. ما در همین جا تصویر آقایان را هم روی آنتن می‌بریم تا مردم هم حرف‌های آن‌ها را بشنوند و هم حرف ما را بشنوند.

نکته دیگری که در اینجا وجود دارد، این است که طرفداران «أحمد الحسن» او را «امام» خطاب می‌کنند. سؤالی که ما از این افراد داریم این است که مرادشان از «امام» چیست؟ ما امام جماعت، رهبر انقلاب و یا بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را هم «امام» خطاب می‌کنیم.

آیا مراد از «امام» رهبر سیاسی است یا امام مذهبی است؟! ما امام حسن، امام زمان و امام حسن عسکری را هم «امام» خطاب می‌کنیم. مراد این افراد از «امام» چیست؟!

قطعاً مراد این افراد از کلمه «امام» رهبر سیاسی نیست. زمانی که این افراد در سخنرانی خود «امام أحمد الحسن» می‌گویند، عمدتاً قصد دارند امامی در ردیف ائمه اطهار قرار بدهند.

در کتاب «الغیبة» اثر «شیخ طوسی» به صراحت وارد شده است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

**«إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ مِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًا»**

الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: تهرانی، عباد الله و

ناصر، علی احمد، ص 150، باب الكلام على الواقعة

بنده نمی‌خواهم سند این روایت را بحث کنم. بر فرض که سند این روایت صحیح است. چرا این افراد به «احمد الحسن»، «امام» می‌گویند، حال آنکه حضرت از این افراد به امام تعبیر نمی‌کند.

در کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» وارد شده است که «ابوبصیر» می‌گوید: خدمت امام صادق رسیدم و به آن حضرت عرض کردم: از پدر بزرگوارتان شنیدم که فرمودند بعد از حضرت مهدی دوازده مهدی خواهد آمد. حضرت فرمودند:

«إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَ لَمْ يَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا»

پدرم فرموده است دوازده هدایت شده و نفرموده است دوازده امام.

«وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ مِّنْ شِيعَتِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَىٰ مُؤَالَاتِنَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا»

ولکن آن‌ها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به دوستی و معرفت ما دعوت می‌کنند.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص

358، ح 56

به ما بفرمایید با توجه به اینکه حضرت می‌فرماید:

«إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَ لَمْ يَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا»

بعد از حضرت مهدی دوازده نفر مهدی و هدایت شده می‌آیند، نه اینکه دوازده امام بیایند. چرا «أحمد الحسن» را امام اطلاق می‌کنید؟! شما که ادعا می‌کنید تابع معصوم هستید، چرا به این روایات توجه ندارید که امام صادق در این روایت کاملاً این مسئله را نفی می‌کند.

«ناظم العقیلى» که عقل منفصل و شخصیت اول طرفداران «أحمد الحسن» است، توجیه نادرست و احمقانه‌ای دارد. او عین این روایت را نقل می‌کند که حضرت فرمود: "دوازده مهدی می‌آیند، آن‌ها را امام نگوئید بلکه مهدی بگوئید"، بعد در ادامه می‌گوید:



"امام صادق نفی مطلق از ذریه امام مهدی را نمی‌خواست، بلکه خواست مشخص کند آن‌ها یعنی همان دوازده مهدی که اولین آن‌ها «أحمد الحسن» است همانند پدرانشان اثنی عشر ائمه نیستند؛ بلکه به مرتبه‌ای پایین‌تر هستند وگرنه آن‌ها ائمه‌ای هستند."

امام می‌فرماید که آن‌ها را امام نگوئید، اما این شخص ادعا می‌کند که این افراد ائمه‌ای هستند که مردم را بعد از پدرانشان یعنی حضرت مهدی رهبری خواهند نمود. مشاهده می‌کنید که امام صادق می‌فرماید:

**«وَلَمْ يَقُلْ ائْنَا عَشَرَ اِمَامًا»**

به این افراد دوازده امام نگوئید.

پیغمبر اکرم از این افراد به امام تعبیر نکرده است، اما این شخص می‌گوید که این افراد مرتبه‌ای پایین‌تر از امام هستند. حال ما نفهمیدیم امام مرتبه بالا، مرتبه وسط و مرتبه پایین چه ویژگی‌هایی دارد!!؟؟

این «امام» که مطرح هست، یا منصوص و منصوب از طرف پیغمبر اکرم است یا نیست؛ اگر منصوب است که دیگر بین امام فرقی وجود ندارد و امام مرتبه بالا و وسط و پایین ندارد. اگر این امام منصوص و منصوب نیست، دیگر امام گفتن در آنجا هیچ معنایی ندارد.

نکته دیگر که در اینجا مطرح می‌شود از آن قبیل سؤالاتی است که این افراد جوابی برای آن ندارند. امیدوارم ان‌شاءالله همانطور که این شخص کلام امام صادق را توجیه احمقانه کرده بود، در مورد این کلام هم توجیه احمقانه نداشته باشد. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

**«و ایاکم و الدجالین من ولد فاطمة»**

بترسید از دجالانی که از نسل حضرت فاطمه هستند.

**«فان من ولد فاطمة دجالین»**

سپس می‌فرماید:

«و يخرج دجال من دجلة البصرة، و ليس مئى، و هو مقدّمة الدجالين كلهم»

دجالی از بصره قیام خواهد کرد که از من نیست و مقدمه تمام دجال‌هایی است که بعد از او خواهد آمد.

التشريف بالمنن في التعريف بالفتن، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، محقق / مصحح: مؤسسه صاحب

الأمر؛ اصفهان: گلبهار، ص 249، ح 362

در طول این مدت تنها کسی که از بصره قیام کرده و خود را فرزند حضرت فاطمه زهرا و حضرت مهدی معرفی کرده، همان «أحمد الحسن» است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: دجالی از دجله بصره قیام می‌کند که از من نیست و مقدمه تمام دجال‌هاست.

اگر کسی از شما سؤال کند که مصداق اتم این روایت «أحمد الحسن» است که از بصره قیام کرده، خود را فرزند حضرت فاطمه زهرا می‌داند و ادعاهای دیگری هم دارد؛ چه جوابی به او می‌دهید؟!

در روایت دیگر در کتاب «الغیبة للنعمانی» از امام صادق نقل شده است که حضرت می‌فرماید: حضرت مهدی قیام نمی‌کند تا اینکه دوازده نفر قیام کنند که تمامی این‌ها در مسیر تکذیب حضرت مهدی هستند.

شما که ادعا می‌کنید دوازده مهدی خواهد آمد که اولین آن‌ها «أحمد الحسن» است. طبق این روایت دوازده نفری که می‌آیند و قبل از حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) هم هستند و مدعی نمایندگی حضرت مهدی هم هستند، همه دجال و در مسیر تکذیب حضرت مهدی هستند. بفرمائید ما از کجا بفهمیم این دوازده مهدی که

شما معتقد هستید، همان دوازده دجال مورد اشاره امام صادق (سلام الله علیه) نباشند؟!

شما معمولاً به علم رجال هم عقیده ندارید، زیرا معتقدید که علم رجال، علم بدعت است. به این روایت توجه کنید. البته زمانی که ایشان می‌آید به این دوازده پرچم می‌رسد، می‌گوید در زمان ظهور دوازده پرچم مشتبّه وجود دارد که به جز یکی همه آن‌ها در آتش هستند!!

ما از کجا بدانیم تنها پرچمی که منتسب به حضرت مهدی و واقعی است، شما هستید و جزو یازده پرچم آتشین نیستید؟!

امیدواریم ان‌شاءالله این آقایان در کانال خود به این سؤالات ما پاسخ بدهند. قطعاً ما مطالب ایشان را مطالعه می‌کنیم، جوابشان را می‌دهیم و در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» و کانالی که مربوط به خود بنده است خواهیم گذاشت.

این افراد هر روز که برای مناظره اعلام آمادگی کنند به صورت ماهواره‌ای یا اینترنتی در خدمتشان خواهیم بود، زیرا مناظره در یک گوشه و پستو ارزش و فایده‌ای ندارد!!

بحمدالله در حال حاضر این مطالب به صورت اینترنتی از سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» منتشر می‌شود. این افراد خیلی راحت می‌توانند هماهنگی کنند و قطعاً تلفن، سایت و ایمیل‌های ما را هم دارند.

ما آمادگی مناظره داریم. این افراد توقع دارند که ما با دفتر ایشان در نجف یا جاهای دیگر تماس بگیریم، اما ما کاری با آن‌ها نداریم. ما فردی رسانه‌ای هستیم و به همین خاطر آماده‌ایم تا در یک رسانه جهانی نه رسانه منطقه‌ای با این افراد مناظره کنیم.

یکی از این افراد چند روز پیش به من پیام داده بود مبنی بر اینکه: "آقای «قزوینی» از ما تقاضا کرده برای مناظره بیاییم، اما دادگاه به ما اجازه مناظره نمی‌دهد. ایشان از دادگاه اجازه بگیرد تا من برای مناظره بیایم!!"

من در جواب این افراد می‌گویم که این مسائل مشکل شماست، مشکل ما نیست!! ما که موظف نیستیم مشکل شما را حل کنیم، شما مشکل خودتان را حل کنید.

این افراد به قدری تناقض دارند که ان‌شاءالله بنده در جلسه بعد در رابطه با تناقضات این افراد نسبت به نسب «أحمد الحسن» که ریشه هم در همانجاست صحبت خواهم کرد. این افراد واقعاً به دروغ می‌گویند که «أحمد الحسن» فرزند حضرت مهدی است!!

من در این رابطه بیش از سی سؤال دارم؛ سؤال‌هایی که بی‌پاسخ است و این افراد برای آن پاسخ ندارند. امیدواریم این افراد بتوانند به این سؤالات پاسخ بدهند، زیرا ما بخیل نیستیم و از خداوند می‌خواهیم که این افراد به سؤالات ما پاسخ بدهند.

ان‌شاءالله بنده سؤالاتی از دروغ پردازی‌های ایشان دارم که این شخص خود را با پنج واسطه به حضرت مهدی متصل می‌کند. زمانی که ما این سؤالات را مطرح کردیم، ثابت خواهیم کرد که این ادعا دروغ محض است.

سؤال اول ما که همه‌فهم هم می‌باشد این است: اگر واقعاً ایشان جد پنجمشان «سلمان» که فرزند حضرت مهدی است می‌باشد چطور شد شما نسل پنجم فهمیدید که فرزند حضرت مهدی هستید، اما جد چهارم شما «سلمان» نفهمید فرزند حضرت مهدی است؟! آیا «سلمان» پدر خود را شناخت؟!

اگر ایشان پدر خود را شناخت و می‌دانست که فرزند حضرت مهدی است، آیا در جایی هم گفته است که من فرزند حضرت مهدی هستم یا خیر؟!

در طول این 150 سال چهار نسل برگشته است. معمولاً در علم رجال هر نسل 70 سال است که 35 سال با نسل قبل و 35 سال با نسل بعد فاصله دارد. و این قاعده ثابت در رجال است. شما با پنج نسل باید حداقل 180 الی 200 سال گذشته باشد.

آیا جد، پسرعمو و دیگر اقوام شما تا به حال هیچکس نفهمیده است فرزند حضرت مهدی است و تنها شما فهمیدید؟! آیا اقوام شما هم فهمیدند و در جایی گفتند که ما فرزند حضرت مهدی هستیم؟!

یک مرتبه کسی ادعا می‌کند که من فرزند بلا واسطه حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) هستم و حضرت مهدی به من چنین مأموریتی داده است. ولی از آنجایی که این آقایان با دست خودشان، خود را تخریب کردند، نمی‌آید بگویند من فرزند بلاواسطه حضرت مهدی هستم؛ بلکه می‌گویند من فرزند پنجم حضرت مهدی هستم!!

به ما جواب بدهید که آیا چهار نسل قبل از شما فهمیدند یا نفهمیدند که فرزند حضرت مهدی هستند؟! چطور آن‌ها نفهمیدند و تنها شما فهمیدید؟! اگر آن‌ها فهمیدند که فرزند حضرت مهدی هستند، آیا در جایی گفتند یا خیر؟!

**پرسش:**

چرا با پیشرفت علم و تکنولوژی احادیث ضعیف و قوی از هم تفکیک نمی‌شود تا در اختیار طلاب قرار بگیرد؟!

**پاسخ:**

بنده هفته گذشته هم پاسخ دادم که بحث علم رجال، بحث اجتهادی است. چنین نیست که من بگویم این روایت صحیح است و همگان هم ملزم باشند این مطلب را از من بپذیرند.

در حال حاضر ما روایتی داریم که آیت الله العظمی خوئی آن را صحیح می‌داند، آیت الله العظمی سیستانی آن را ضعیف می‌پندارد، «حاج شیخ جواد تبریزی» معتقد است که روایت درست نیست و آیت الله العظمی مکارم شیرازی روایت را معتبر می‌داند.

این اجتهاد است و ما نمی‌توانیم در مورد روایتی نظر قطعی بگوییم. به عنوان مثال «سهل بن زیاد» از روایتی است که در منابع روایی ما قریب به هزار و اندی روایت دارد و یکی از اساتید مهم «کلینی» هم هست. خود «شیخ طوسی» در کتاب «رجال» او را ثقه و در کتاب «فهرست» او را ضعیف می‌خواند. تکلیف ما چیست؟! بنده در تحقیق کتاب «سما المقال» موارد زیادی را در پاورقی جلد اول آوردم که «شیخ طوسی» یکی از روایت را ثقه و «نجاشی» همان راوی را ضعیف می‌خواند. یا بالعکس! یا «ابن غضائری» او را کذاب و «شیخ طوسی» در کتاب «فهرست» او را ثقه می‌خواند. ما باید چکار کنیم؟!

لذا این بحث، بحث اجتهادی است. هرکسی باید خودش ملکه اجتهاد تشخیص روایت صحیح با ضعیف را خودش بداند، نه اینکه از علمای دیگر تقلید کند. این قضیه همانند این است که ما در مورد احکام مسائل را جمع کنیم و آقایان رساله عملی‌های بنویسند که همه به آن عمل کنند و تقلیدها را برچینیم.

**پرسش:**

با عرض سلام. طرفداران «أحمد الحسن» هیچگونه جوابی برای سؤالات مطرح شده از طرف شما نداشتند. لذا عرض کنم که این جلسات بسیار مفید بوده و از شما کمال تشکر داریم.

**پاسخ:**

از شما ممنون و متشکرم.

**پرسش:**

کانال تلگرامی شما کدام است؟!

## پاسخ:

اگر دوستان در تلگرام «قزوینی» را جستجو کنند، کانال ما را خواهند یافت. در حال حاضر «شبکه جهانی ولی عصر» هم به صورت مستقیم از تلگرام پخش می‌شود و هم از اینستاگرام پخش می‌شود. یعنی شما خیلی راحت می‌توانید با موبایل خودتان وصل بشوید و برنامه‌ها را ببینید.

ما از دوستان مسجد تقاضا داریم که اگر عزیزان ما شماره تلفنشان را داشته باشند، آی دی «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» را خدمت دوستان می‌دهیم تا ان شاءالله بتوانند به این مطالب دسترسی داشته باشند. همچنین عرض کردم که اگر به «سایت مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» هم مراجعه کنند، به صورت کاملاً راحت می‌توانند پخش اینترنتی این مطالب را داشته باشند.

## پرسش:

بهترین کتاب در نقد «أحمد الحسن» کدام است؟!

## پاسخ:

کتاب‌های زیادی نوشته شده است؛ جناب آقای «آیتی» کتاب نوشته است، آقای «شهبازیان» کتاب نوشته است، «حاج آقای کورانی» کتاب نوشته است. ما به دنبال این هستیم که کتاب بسیار جامعی بنویسیم. ان شاءالله امیدواریم تا قبل از تابستان بتوانیم این کتاب را چاپ کنیم. قصد داریم در این کتاب هم تناقضات ایشان را خوب احصاء کنیم و هم بتوانیم ادعاهای ایشان را به نوعی باطل کنیم.

خود حضرت آیت الله اعرافی بزرگواری کردند از بنده خواستند کتابی برای حوزه‌های علمیه نوشته شود.

لذا قرار شد که ما دو کتاب که یکی از آن حدود 100 صفحه‌ای بنویسیم که ایشان تکثیر کنند و در سطح گسترده در اختیار آقایان قرار بگیرد و کتاب دیگر شاید حدود 350 صفحه شود. ما 80 درصد مواد اولیه این کتب را آماده کرده‌ایم.

**پرسش:**

بالاترین و مهم‌ترین دلیل «أحمد الحسن» کدام است!؟

**پاسخ:**

ایشان از نظر روایت «حدیث وصیت» را مطرح می‌کند. همچنین معجزات او خواب و سحر و جادو است.

**پرسش:**

آن‌ها خود معتقد هستند که مراجع و حوزه‌های علمیه خود مانع ظهور هستند. بنابراین اینکه به خواب مراجع بیاید یا حضرت نامه‌ای بر حقانیت «أحمد الحسن» برای مردم بنویسد وجهی ندارد و سؤال حضرتعالی جایگاه خود را از دست می‌دهد.

**پاسخ:**

آن‌ها مخالف هستند. بنده روایت خواندم که «فضل بن شاذان» با وکیل امام بنای مخالفت و عداوت دارد. حضرت نامه‌ای می‌نویسد که در آن نامه «فضل بن شاذان» را تهدید می‌کند و می‌فرماید که اگر از مخالفت دست برندارید، شما را نفرین می‌کنم.

حضرت مهدی هم باید برای علما و مراجع عظام تقلید نامه‌ای بنویسد به طوری که برای آقایان ثابت شود این نامه از طرف حضرت مهدی است یا حداقل به خواب مراجع و علما بیایند. خواب که دیگر هزینه ندارد.



شما که معتقدید هر شب ده‌ها نفر از مردم خواب می‌بینند که ما حق هستیم و به ما می‌پیوندند. چرا این خواب برای امثال بنده یا اساتید و بزرگواران و مراجع عظام تقلید نیست؟!

**پرسش:**

تمام نامه‌هایی که از ائمه اطهار خواندید مربوط به زمان حضور است و در زمان غیبت در هیچ امری از امورشان نامه نوشته نشده است؟!

**پاسخ:**

اتفاقاً بنده در جلسه آینده نامه‌هایی که حضرت در رابطه با «عثمان بن عمری» نوشته‌اند را خواهیم آورد. ما تمام نامه‌هایی که در عصر غیبت نوشته شده و همچنین مراجع عظام تقلید و بزرگان ما آن را تأیید کرده‌اند خواهیم آورد.

مشهور است که «مرحوم مقدس اردبیلی» زمانی که در مسئله‌ای به بن بست می‌خورد به «مسجد سهله» می‌رفت، متوسل می‌شد، با حضرت مهدی دیدار می‌کرد و سؤالات خود را می‌پرسید.

این اتفاق بین شاگردان ایشان ثابت بود و شاگردان خصوصی او می‌دانستند که «مقدس اردبیلی» یک زمان می‌آمد می‌گفت مسئله این است و دلیل ما فلان آیه و فلان روایت است، اما گاهی اوقات می‌گفت حکم الهی این است و شما بروید برای آن دلیل پیدا کنید!! خواص می‌فهمیدند که «مقدس اردبیلی» این مطلب را به صورت مستقیم از حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) گرفته است.

بزرگان ما از جمله «مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی» و دیگران در رابطه با بعضی از فتاوی که می‌دادند با توسل به حضرت ولی عصر بوده است.

«مرحوم شیخ مفید» چندین مورد توقیع از حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) به ایشان رسیده است. «شیخ مفید» متوفای 415 هجری است، در حالی که در سال 329 دیگر غیبت صغری برچیده شده است.

ما توقیعات و ملاقات‌های زیادی از سوی علما و مراجع عظام تقلید با حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) داریم.

«مرحوم سید بن طاووس» می‌نویسند: "من به قدری خدمت حضرت ولی عصر رسیدم که با تَن صدای آن بزرگوار آشنا هستم! اگر از پشت دیوار صدایی به گوشم برسد، می‌فهمم که این صدای حضرت مهدی است یا خیر."

**پرسش:**

چرا حضرت مهدی نامه‌ای بر رد «أحمد الحسن» نمی‌نویسد؟!

**پاسخ:**

معمولاً کسی که چیزی ادعا می‌کند برای اثباتش دلیل دارد نه برای بطلان. از طرف دیگر رسول گرامی اسلام در خصوص حوزه‌های علمیه فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 54، ح

2

مراجع عظام تقلید هم طبق وظیفه خود در زمان غیبت در برابر بدعت عکس العمل نشان می‌دهند. همین امروز مشاهده کردم که در سایت آیت الله العظمی مکارم شیرازی مقاله مفصلی در نقد خرافات «أحمد الحسن» نوشته‌اند.

## پرسش:

چرا شما حرفی از اسوه بودن حضرت فاطمه زهرا نمی‌زنید و از رسم و رسوم عرب سخن می‌گویید؟!

## پاسخ:

بنده متوجه فرمایش ایشان نشدم، اما عرض کردم که حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در میان جامعه زندگی می‌کردند و پشت درهای بسته نبودند. ایشان در جنگ اُحُد در کنار دیگر زنان پشت صحنه زخمی‌ها را مداوا می‌کنند.

آن بزرگوار زخم رسول گرامی اسلام را جلوی مردم مرهم می‌گذارند. چنین نبود که پرده‌ای باشد و حضرت پشت پرده یا داخل خیمه برود و صورت خون‌آلود پدر بزرگوارش را بشوید و بر زخم آن بزرگوار مرهم بگذارد.

آن بزرگواران به صورت طبیعی و آنطور که شارع مقدس معین کرده بود حجاب اسلامی را رعایت می‌کردند. در مسجد برای مردم خطبه می‌خواندند. اگر واقعاً مردم حضرت را نمی‌دیدند، از کجا می‌دانستند شخصی که خطبه می‌خواند حضرت فاطمه زهراست؟!

حضرت صدیقه طاهره شب‌ها با کمک حضرت امیرالمؤمنین سوار بر مرکب می‌شوند و در خانه انصار برای طلب کمک می‌روند. اگر حضرت داخل پوشش یا خیمه‌ای می‌رفتند، مردم از کجا می‌فهمیدند شخصی که در خیمه است حضرت فاطمه زهراست؟!

زندگی آن بزرگواران زندگی عادی بوده است. بله آن بزرگواران طبق آیه شریفه حجاب مراقب بودند غیر از فرموده قرآن کریم جای دیگری از بدنشان برای مردم ظاهر نشود، زیورآلاتشان برای مردم ظاهر نشود، آرایش نکنند و میان مردم عطر نزنند.

آن بزرگوار به تمام آداب و رسومی که قرآن برای یک زن مؤمنه معین کرده بود، عمل می‌کرد همانطور که مادر بزرگوارشان حضرت خدیجه کبری قبل از نزول آیه حجاب به آن عمل می‌کردند.

**پرسش:**

موضع‌گیری طرفداران «أحمد الحسن» با حکومت و ولایت فقیه به چه صورت است؟!

**پاسخ:**

به طور کلی اصلاً این افراد حکومت و ولایت فقیه را حکومت شیطانی می‌دانند. بنده عبارت‌های وقیحی که این افراد نسبت به مقام معظم رهبری و حکومت جمهوری اسلامی دارند را خواهم آورد.

این افراد رسماً اعلام می‌کنند که مبارزه با این حکومت واجب و لازم است. این افراد مسلمانان اعم از شیعه و سنی را کافر می‌دانند و تصرف اموال مسلمانان را برای اتباعشان حلال می‌دانند.

یعنی اگر این افراد به منزل شما بیایند تصرف اموالتان را جایز می‌دانند. دلیل این افراد برای این کار این است که شما به «أحمد الحسن» ایمان نیاوردید و به همین جهت مهدور الدم و مهدور المال هستید!!!

انشاءالله بنده در جلسه آینده تکفیر مسلمانان از کتب آنان را برای عزیزان خواهم خواند. اجازه بدهید چند دعا کنیم که امیدواریم این دعاها به اجابت برسد.

خدایا تو را به آبروی حضرت فاطمه زهرا قسم می‌دهیم فرج فرزند زهرا حضرت حجة بن الحسن را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاصش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار. خدایا شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان. خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهلبیت در هر لباس و منصبی هستند بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدایا به آبروی حضرت فاطمه زهرا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج همگان، حوائج جمع ما و بینندگان ما به آبروی حضرت زهرا ی مرضیه برآورده نما. خدایا دعاها ی ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهدا، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلوات.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته